

شیخ محمد شریعت اصفہانی

فہرست مطالعات ناریض

پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فہرست مطالعات ناریض

شیخ محمد شریعت اصفهانی

● سمانه بایرامی

اشاره

شیخ محمد شریعت اصفهانی در سال ۱۲۸۳ هـ ش در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. او فرزند شیخ الشریعه اصفهانی و داماد آقاضیاءالدین عراقی بود. پدرش از علمای بزرگ جهان تشیع است. پس از وفات آیت الله میرزا حبیب رشتی و آیت الله شیخ محمد کاظمینی شماری از مردم، شیخ الشریعه را به عنوان مرجع تقلید پذیرفتند، اما پس از رحلت میرزاتقی شیرازی، شیخ الشریعه یگانه مرجع تشیع شد. زندگی این مرجع بزرگ سراسر مجاهدت و تلاش برای رهایی امت اسلامی بود. بسیاری از مراجع بزرگ شیعه در جلسات درسی شیخ الشریعه شرکت داشتند. تعدادی از شاگردان ایشان از جمله سید حسین بروجردی، سیدضیاءالدین عراقی، سیدشهاب الدین مرعشی نجفی و... بعدها مراجع تقلید جهان تشیع شدند.^۱

شیخ الشریعه صاحب سه فرزند بود. پسر بزرگ وی که حسن نام داشت، در انقلاب ۱۹۲۰ عراق نقش بسزایی داشت. پس از اشغال نجف توسط نیروهای انگلیسی در سال ۱۳۳۹ هـ ق اشغالگران او را دستگیر و به بصره تبعید کردند. محمد پسر سوم ایشان بود.^۲ در این مقاله به بررسی زندگی سیاسی شیخ محمد شریعت اصفهانی و نقش وی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی پرداخته شده است.



آیت الله ملافتح الله شیخ الشریعه اصفهانی

تحصیل و تدریس

شیخ محمد شریعت مقدمات علوم را نزد پدر خود آموخت و برای ادامه تحصیل راهی مدرسه چهارباغ اصفهان شد و در آنجا به کسب علم پرداخت. سپس راهی نجف شد و نزد آیت الله آقاضیاءالدین عراقی به کسب معارف و علوم دین پرداخت.^۳ او برای طی مراحل سلوک به ذکر و ورد، انزوا، خلوت و عزلت نمی پرداخت بلکه مکتب عرفانی او همان انجام فرائض، عمل جدی به آنها و همراهی با مردم بود. او قبل از شروع به انجام اصلاحات در جامعه به اصلاح خود پرداخت. شیخ محمد در حوزه نجف با مشکلاتی مواجه شد که روح او را به شدت آزد. وی از بی نظمی حاکم در محافل مذهبی نجف گلایه داشت و مسلم بود که در این روند برخی از مقدس مآبها و متوسلین به افکار قدیمی در برابر او جبهه گیری می کردند. «این افراد به افکاری که از سالیان دراز باقی مانده بود؛ تمسک می جستند بدون آن که به نقش مؤثر زمان در سیر حوادث و تغییر احوال، آراء و افکار اعتراف کنند.»^۴

او در زمان زعامت آیت الله بروجردی به ایران آمد و با مرحوم سید محمد کاظم عصار و شیخ حسین علی راشد مرتبط بود. لیاقت و علم او موجب شد که حضرت آیت الله بروجردی ایشان را در سال ۱۳۳۱ ش به عنوان نایب و نماینده خود راهی کراچی کند. وی در آنجا به مدت ۲۶ سال مشغول تعلیم و نشر علوم اهل بیت (ع) بود. در منزل ایشان هر جمعه بعد از نماز مغربین جلسه تفسیر قرآن و روزهای شنبه بعد از نماز مغربین سخنرانی، در زمینه موضوعات فقهی برگزار می گردید و مردم شهر از نقاط دور و نزدیک در آن شرکت می کردند. شیعیان پاکستانی و ایرانیان مقیم برای پرسش و دریافت پاسخ به ایشان مراجعه می نمود. در ماه مبارک رمضان ضمن تدریس قرآن، به شرح و تفسیر ادعیه ماثوره می پرداخت. او در دیار غربت تلاش های بسیاری برای اعتلای اسلام انجام داد و هیچ گاه از پای ننشست.^۵

معرفی امام به عنوان مرجع اعلم

پس از رحلت آیت الله بروجردی با وجود فشارهایی که از سوی سفارت ایران، رژیم حاکم پاکستان و برخی از محافل مذهبی ایران به وی تحمیل می شد، شیخ محمد، امام خمینی را به عنوان مرجع تقلید اعلم معرفی کرد. فشارها به حدی بود که رئیس جمهور وقت پاکستان شیخ محمد و دیگر علمای پاکستان را رسماً احضار کرد و صریحاً به آنها هشدار داد که از معرفی آیت الله خمینی به عنوان مرجع اعلم جهان تشیع خودداری کنند. از طرف دیگر دولت عراق جهت ترور محمد شریعت برنامه ریزی کرد، اما موفق به انجام این جنایت نشد. برخی از محافل مذهبی داخل ایران نیز در اعمال فشارها سهیم بودند. ایشان در میان همه این فشارها

کاری انجام داد که با تمام وجود به آن اعتقاد داشتند و با شجاعت امام را به عنوان مرجع تقلید اعلم معرفی کردند.^۶

شیخ محمد شریعت و انقلاب اسلامی

شیخ محمد شریعت از همان ابتدا به نهضت امام خمینی پیوست. ایشان در طی این سال‌ها مکاتبات فراوانی با امام داشتند و در مسائل شرعی از ایشان کسب تکلیف می‌نمود. امام خمینی نیز در نامه‌هایی که به شیخ محمد شریعت ارسال می‌کردند؛ اوضاع حساس و دشوار ایران را برای ایشان تشریح می‌نمودند. از آن جمله است نامه حضرت امام به شیخ محمد شریعت در ۳۰ آذر ۱۳۵۱. امام در این نامه می‌نویسند:

اخیراً در ایران طرحهایی در دست تصویب است که با اجرای آن همه چیز روحانیت - اگر چیزی مانده باشد - به باد می‌رود؛ مثل تصویب نظارت اوقاف به جمیع شئون روحانیت، مساجد و منابر، تکایا و غیره‌ها؛ بلکه تعیین مرجع و رئیس حوزه‌ها.

و یا در پی اخراج روحانیان ایرانی از نجف توسط رژیم بعث و همزمان بسته شدن مدرسه فیضیه قم به دست حکومت پهلوی، خطاب به شیخ محمد شریعت نوشتند:

حوادث اینجا و آنجا محتاج به ذکر نیست، جنابعالی هم مطلع هستید؛ اینجانب تاکنون تصمیمی اتخاذ نکردم و متحیر هستم. از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستار است. چیزی که مرا رنج می‌دهد بی تفاوت بودن نجف است راجع به قضایای قم و - احیاناً - طرفداری از مخالف؛ و الله مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

فعالیت شیخ محمد شریعت در پاکستان به گونه‌ای بود که سپهبد نصیری در سال ۱۳۴۴ از وزارت اطلاعات [و جهانگردی] خواست تا تلاش‌های لازم را برای کاهش فعالیت‌های ایشان در پاکستان انجام دهد و شیخ محمد تحت مراقبت قرار گیرد.^۷

شیخ محمد شریعت ریاست انجمن ایرانیان در کراچی را بر عهده داشتند. سفیر کبیر ایران در پاکستان، انصاری، قصد داشت یک تخته قالی از طرف محمدرضا شاه به این انجمن هدیه دهد، اما ایشان و چند نفر از همکاران از قبول این هدیه خودداری کردند و گفتند تا زمانی که آیت‌الله خمینی در تبعید هستند حاضر نیستند به نام شاهنشاه هدیه‌ای بپذیرند.^۸ اتفاق دیگری که در اسناد ساواک ذکر شده و موجب عصبانیت سفارت و نمایندگی ساواک در کراچی شد، بحثی بود که میان روحانی شیعه مقیم کراچی، محمدبشیر انصاری و شیخ محمد شریعت صورت گرفت. محمدبشیر انصاری از طرف محمدرضا شاه، ساعت طلا هدیه گرفته بود. شیخ محمد به او تذکر داد، در شرایطی که یکی از مراجع بزرگ ایران در تبعید است و فشار و ظلم بر

سیدنا ابوالحسن علی بن ابی طالب علیہ السلام

ارشاد

۲۳۹۰

۱۹۴۳

شمارہ ۵




آقائے شیخ محمد شریعت

۱۱ اگست ۱۹۴۳ء

آقائے شیخ محمد شریعت کی ولادت کے بعد پھر پاکستان میں کوئی ایسا نام دینا اور مجتہد نکلنا آسان نہیں ہے جس کے گروہ میں سے کئی ایسے لوگ نکل سکیں جن کی فکر اور میں کی فکریت کو ہر صاحب فکر و فکر کا حاصل کرنا عیسیت پڑی کہ وہ ممالک عالی سے کہانی میں شہرہ آفاق ہو جائیں اور ان سے ملت جبریل کی ولادت ہو۔



آقائے شیخ محمد شریعت کی ولادت کے بعد پھر پاکستان میں کوئی ایسا نام دینا اور مجتہد نکلنا آسان نہیں ہے جس کے گروہ میں سے کئی ایسے لوگ نکل سکیں جن کی فکر اور میں کی فکریت کو ہر صاحب فکر و فکر کا حاصل کرنا عیسیت پڑی کہ وہ ممالک عالی سے کہانی میں شہرہ آفاق ہو جائیں اور ان سے ملت جبریل کی ولادت ہو۔



آیت‌الله شیخ محمد شریعت اصفهانی

مردم ایران ادامه دارد، قبول تحفه ظالم و جابر حرام است. محمد بشیر انصاری ماجرا را با تمام جزئیات در گزارشی به سفارت شرح می‌دهد.^{۱۰}

سفارت نیز این مطالب را به نمایندگی ساواک در کراچی ارسال می‌نماید. این اتفاقات موجب تشدید مراقبت بر شیخ محمد شریعت شد؛ به گونه‌ای که تمام نامه‌های خصوصی ایشان بررسی و سانسور می‌شد.^{۱۱} در گزارشی که در سال ۱۳۴۴ کنسولگری ایران به نمایندگی ساواک ارسال کرد، نوشت: «آقای محمد شریعت به اتفاق چند تن از تجار ایرانی‌الاصل مقیم کراچی به دیدن سفیر کبیر ایران آقای انصاری رفته و از دولت ایران و نمایندگان مجلس انتقاد کرده که در نتیجه آقای سفیر ضمن ارائه

جوابهای مستدل به مشارالیه تفهیم می‌نماید که به هیچ وجه حاضر به شنیدن این گونه انتقادات نیست و اجازه نخواهد داد که تحریکاتی علیه دولت ایران انجام گیرد.^{۱۲} ضمناً برابر گزارشات واصله آقای شریعت اظهار داشته که ۲۸ مرداد روزی است که کشور ایران را به آمریکا فروختند.^{۱۳} این اظهارات و اقدامات شجاعانه شیخ محمد شریعت در جو اختناق که ساواک به وجود آورده بود، موجب عصبانیت سفارت و نمایندگی ساواک در کراچی شد. در همین سال، مقالاتی در روزنامه‌های پاکستانی علیه شاه منتشر می‌شود. شیخ محمد در انتشار این مقالات نقش مهمی داشت. در پی این قضیه دفتر اطلاعات و مطبوعات ایران به وزارت خارجه پاکستان و معاون وزارت اطلاعات پاکستان تذکر می‌دهد که از این اقدامات جلوگیری به عمل آورد. بعد از این جریانات سرویس اطلاعاتی پاکستان به همکاری نزدیک با ساواک می‌پردازد. ساواک یکی از نامه‌رسان‌های اداره مرکزی پست کراچی را استخدام می‌کند تا تمامی مکاتباتی را که با شیخ محمد صورت می‌گیرد مورد بررسی قرار دهند.^{۱۴} مسافرت‌های ایشان نیز به دقت زیر نظر گرفته می‌شد. در سال ۴۶ که ایشان قصد داشتند جنازه همسر خود را به عراق منتقل کنند.^{۱۵} تمامی رفت و آمدهای ایشان

شیخ محمد شریعت اصفهانی

کنترل می‌شد و ساواک دستور داده بود که اگر شیخ به ایران آمد، اجازه خروج از ایران را به او ندهند. اما وی به ایران نیامد و مستقیماً به پاکستان بازگشت.^{۱۶} فرزندان ایشان در ایران تحت مراقبت‌های شدید ساواک بودند و حتی بستگان ایشان نیز در

2	3
نام خانوادگی: <u>محمد شریعت</u> نام: <u>محمد</u> نام کوچک: <u>محمد</u> تولد: <u>تهران</u> پدر: <u>محمد شریعت</u> مادر: <u>فاطمه</u> تاریخ تولد: <u>1302</u> محل تولد: <u>تهران</u> شماره شناسنامه: <u>1150471/43</u> تاریخ صدور: <u>1351-1351-1351</u>	عکس و اندازه کفگیر Photographie de l'étudiant Signature de l'étudiant عنوان تحصیلات: <u>دانشجو</u> نام: <u>محمد</u> نام خانوادگی: <u>شریعت</u> نام پدر: <u>محمد</u> تاریخ تولد: <u>1302</u> محل تولد: <u>تهران</u> شماره شناسنامه: <u>1150471/43</u> تاریخ صدور: <u>1351-1351-1351</u> نوع مدرسه: <u>مدرسه</u> شماره مدرسه: <u>1868527</u>

گذرنامه شیخ محمد شریعت

تنگنا قرار گرفته بودند.^{۱۷} ساواک مخالف ادامه کار فرزندان ایشان در مشاغل حساس وزارت خارجه بود.^{۱۸} شماره تلفن، نشانی، محل کار اعضای خانواده و بستگان در اسناد طبقه‌بندی شده ساواک ذکر شده است.^{۱۹} با وجود این مراقبت‌های ویژه، شیخ محمد شریعت با کمک دوستان خود اعلامیه‌های امام خمینی را در میان ایرانیان مقیم پاکستان و شیعیان این کشور توزیع می‌نمود. طبق اسناد ساواک، ایشان پیام امام خمینی را در ۲۸ مهر ۵۲ در کراچی توزیع کرد. امام در این پیام به شدت از روابط شاه ایران با اسرائیل، تعلیم افسران ایرانی به وسیله اسرائیل و همچنین برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله انتقاد کرده بودند؛ جشن‌هایی که مخارج سنگینی را بر دوش ملت ایران تحمیل کرد.^{۲۰}

شیخ محمد شریعت که امام جماعت حسینیه ایرانیان در کراچی بود در سال ۵۲ اقدام به تشکیل انجمنی به نام «انصار حجت» نمود که هدف این انجمن حمایت از برنامه‌های امام خمینی و مخالفت با دولت شاهنشاهی بود.^{۲۱} محمد نخعی (منهاج الهدی)، سید محمد جواد میرحجازی (لاله‌زاری) و هادی نجف‌آبادی از اعضای مهم این انجمن بودند که هر کدام سوابق زیادی در مخالفت با

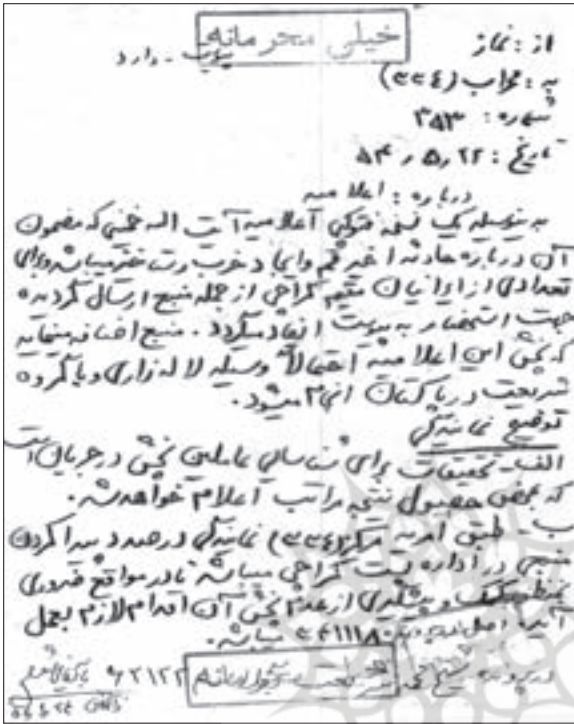
رژیم پهلوی داشتند.^{۲۳} سفیر ایران در پاکستان در نامه‌ای از انتشار ترجمه اطلاعیه‌ها و رساله امام خمینی در پاکستان ابراز نگرانی می‌کند و مسئول همه این قضایا را محمد شریعت می‌داند. سفارت ایران در اسلام‌آباد بعد از اقدامات شیخ‌محمد به مذاکره با رئیس سازمان امنیت داخلی پاکستان پرداخت. آنها از سازمان امنیت پاکستان خواستند که با این‌گونه اقدامات مقابله کند و به دقت رفتار آقای شریعت را تحت نظر بگیرد و به ساواک گزارش دهند.^{۲۴}



در سالهای ۵۴-۱۳۵۳ حوادث

مهمی در ایران به وقوع پیوست؛ از

جمله تأسیس حزب رستاخیز و تغییر مبدأ تاریخ ایران. هر دو این موارد موجب خشم مردم، محافل مذهبی و سیاسی ایران می‌گردد. اقدام دیگری که موجب ناراحتی روحانیت شد اموری بود که تلاش می‌کرد تا روحانیت را از نظر تشکیلاتی و اقتصادی به دولت و اوقاف وابسته کند. در واکنش به این اقدامات در خرداد ۱۳۵۴ تظاهراتی در بزرگداشت پانزده خرداد سال ۴۲ برپا شد. در این تظاهرات که نهایتاً به درگیری ختم شد، تعدادی از تظاهرکنندگان به شهادت رسیدند. در این شرایط شیخ‌محمد شریعت در پاکستان به فعالیت‌های خود ادامه داد. او و تعدادی از روحانیون پاکستانی ساکن کراچی در تاریخ ۲۴/۵/۵۴ مجلسی ترتیب دادند و اعلامیه‌هایی را میان حاضران توزیع نمودند. در این اعلامیه‌ها اقدامات ضدبشری رژیم پهلوی از جمله شکنجه زندانیان، کمک به سرکوبی نهضت مسلمانان در ظفار، حمایت از اسرائیل، تبعید بزرگ‌ترین مرجع دینی ملت ایران، اجبار همگان به عضویت در حزب رستاخیز و بی‌توجهی به عقاید مذهبی مردم ایران را محکوم کردند.^{۲۵} ایشان همچنین اعلامیه‌هایی تحت عنوان متن استفتاء جمعی از مسلمانان ایران از امام خمینی درباره حزب رستاخیز را که به زبان اردو ترجمه شده بود از طریق پست به برخی از ایرانیان مقیم کراچی ارسال کردند.^{۲۶} امام در این استفتاء اعلام کردند که نظر به مخالفت حزب با اسلام و مصالح



ملت مسلمان ایران، شرکت در این حزب بر عموم ملت ایران حرام است و مخالفست با این حزب از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است.^{۲۶} امام در مکاتباتی که با شیخ محمد داشتند از اینکه از سوی برخی از علما اعتراضی به تأسیس حزب رستاخیز صورت نگرفته، ابراز ناراحتی کردند.^{۲۷} ساواک تمامی این تحرکات را با دقت زیر نظر داشت و گزارش تمامی این اقدامات را به ایران ارسال می‌کرد.^{۲۸} شیخ محمد شریعت در سال ۵۴ هجری قمری (۱۹۳۵ میلادی) به حج عمره را داشت. قرار بود از آنجا به لبنان و عراق مسافرت کنند، اما امام به دلیل مشکلات

امنیتی ایشان را از آمدن به عراق منع کردند.^{۲۹} ایشان در پاکستان در کنار فعالیت‌های سیاسی، فعالیت‌های فرهنگی فراوانی انجام داد. از جمله در سال ۱۳۵۵ کمک‌های فراوانی برای ساخت مدرسه در کراچی نمود. امام نیز از عراق طی نامه‌ای به آیت‌الله پسندیده از ایشان خواستند که شهریه مدرسه کوئته را از جانب امام به آقای شریعت تحویل دهند.^{۳۰} در آبان سال ۱۳۵۶ خبر درگذشت ناگهانی و مرموز فرزند امام، حاج آقامصطفی جهان‌تشیع را در غمی عظیم فرو برد. شیخ محمد در حالی که از بیماری رنج می‌برد دست از تلاش برنداشت. ایشان اطلاعیه‌هایی در روزنامه‌های مختلف پاکستان از جمله روزنامه‌های امن، مشرق، جسارت، جنگ و ارشاد منتشر کرد.^{۳۱} در این اطلاعیه‌ها اعلام کرد که مصطفی خمینی به طور مرموزی فوت کرده است و در ایران هزاران نفر از مقلدین امام خمینی دکان‌ها و اداره‌ها را تعطیل و به عزانگشته‌اند.^{۳۲} او از مصطفی خمینی به عنوان عالمی بزرگ که علاوه بر علوم دینی در فلسفه، اخلاقیات و... مهارت داشت نام برد.^{۳۳} او در روزنامه ارشاد به طور مفصل سیدمصطفی خمینی را معرفی کرد. مقاله‌ای نیز در مورد زندگی سیدمصطفی، مشقت‌ها، علم و حکمت و شهادت غریبانه‌اش در روزنامه ارشاد

آقاے سید مصطفیٰ خیمینی علی اللہ مقامہ

بہار الخیر من انہ فیہ ایت اللہ العلیہ السلام نے آقا کے ذریعہ اللہ
فیہ فیہ لوری منہ فیہ اللہ علیہ السلام کے لئے جو کچھ لایا ہے وہ اللہ علیہ السلام کے
سید مصطفیٰ خیمینی نے ۲۲ اکتوبر ۱۹۷۹ء کو روم میں ۱۳۹۹ھ کو حج اہک
پہنچا۔ شرفیہ اعلیٰ فریاد گئے۔ امام الخیمینی سے اس طرح سے ملنے کے
اولیٰ چلے گئے۔ ہر روز طے لے کر آج کے روزگار کے لئے اور ۲۰۰۰
کروڑ سے زائد روپے لایا اور تمام دنیا میں پھیلنے لگا۔

یہ لکھتے ہیں کہ آقا کے شیعہ مخالفین نے ان کے لئے
خیمینی کے لئے کہ یہ ہیں وہاں اور ان کے لئے کہ یہ ہیں
لیکن انہوں نے کہا کہ یہ ہے اللہ علیہ السلام

عزت و صلوات اللہ علیہ وسلم، اور صبر
اور سزا تو یہ ہے کہ اس لئے کہ اس لئے

جب کہ وہی امام کو لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا
چاہے اس لئے کہ وہی امام سے کہیں بھی جانا
تیسرا تو یہ ہے کہ امام کے لئے کہ امام کے لئے

امام کا تہجد
پھر امام سے کہیں بھی جانا اور امام سے کہیں بھی جانا
کہ امام کو لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا
یہ امام کو لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا

رومان کی طرف سے
یہ لکھتے ہیں کہ امام سے کہیں بھی جانا
یہ امام کو لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا
یہ امام کو لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا

استقامت اور ان کی پیشانی میں تو وہی امام سے کہیں بھی جانا
مقامات و شہر میں لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا
کایہ شہر میں لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا

کے لئے کہ امام سے کہیں بھی جانا
مقامات و شہر میں لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا
کایہ شہر میں لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا

مقامات و شہر میں لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا
کایہ شہر میں لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا
کے لئے کہ امام سے کہیں بھی جانا

یہ امام کو لے کر آئے اور امام سے کہیں بھی جانا

زیادت کا شرف حاصل ہوا تھا۔ کچھ برسوں پہلے ان میں سے ایک ایک کو کھانسی
عامی اور کھانسی ہوئی۔ یہ کھانسی اتنی تیز تھی کہ انہوں نے کھانسی کو ایک
مختصر اور عام کلمہ بنا کر اور انہوں نے کھانسی کو ایک عام کلمہ بنا کر
تے پر اپنے۔ کھانسی کے نام کو کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

آقا کے مصطفیٰ خیمینی علی اللہ مقامہ کے سید مصطفیٰ خیمینی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے
کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے کھانسی کے نام سے

ویژہ نامہ ای در بزرگداشت شہید آیت اللہ مصطفیٰ خیمینی کہ
در پاکستان به کوشش آیت اللہ محمد شریعت منتشر شد.



چاپ کرد و وی را ادامه‌دهنده سنت امام سجاد(ع) دانست. خود ایشان نیز مجالس ختمی در «امام باره رضویه کالونی» برگزار کرد.^{۳۴} از طرف دیگر آقای شریعت با همکاری تعدادی از نزدیکان کتابهای امام خمینی را در میان علاقه‌مندان توزیع می‌کرد.^{۳۵} ایشان راه مبارزه فرهنگی را بسیار مناسب‌تر از روش‌های سخت‌افزاری می‌دانستند و تمام فعالیت‌های او در پاکستان هم نشان از این امر دارد. اعتراض دولت ایران به این فعالیت‌ها و همچنین نوشته‌های روزنامه‌های پاکستانی به حدی بود که در نامه‌ای به دستگاه امنیتی به شدت به این مسئله اعتراض شد. در دسامبر ۱۹۷۷

نامه‌ای به مقامات پاکستان نوشته شد و در آن مقالاتی که علیه حکومت ایران نوشته شده بود ضمیمه گردید. مقامات ایرانی هشدار دادند که انتشار چنین مقالاتی از گسترش روابط ایران و پاکستان جلوگیری می‌کند. همچنین آنها یادآور شدند که فعالیت‌های شیخ محمد شریعت که نماینده آیت‌الله خمینی است موجب ناراحتی دولت ایران شده است.^{۳۶} آنها در این نامه اطلاعاتی در مورد روزنامه ارشاد و نویسنده مقالات خواستند. در این روزها بیماری شیخ محمد رو به وخامت نهاده بود. و حتی در هنگام بیماری نیز ساواک تمامی کسانی که برای عیادت می‌آمدند را تحت نظر می‌گرفت.^{۳۷} شیخ در میان شیعیان پاکستان محبوبیت زیادی داشت. کمک به نیازمندان و تلاش برای حل مشکلات آنها از مهم‌ترین خصوصیات ایشان بود. سرانجام شیخ محمد شریعت در فروردین سال ۵۷ با تمام روزهای سخت خداحافظی کرد و به دیار آرامش پرکشید. بیماری فرصت چشیدن طعم پیروزی انقلاب را به او نداد. عده‌ای از ایرانیان و دوستان ایشان تمایل داشتند پیکر شیخ محمد شریعت را به ایران منتقل کنند ولی پاکستانی‌های دوستدار او اجازه این کار را ندادند. هنگام برگزاری مراسم درگذشت وی مأموران ساواک به روحانی که سخنران مجلس بود تذکر داد که فقط باید از خانواده و زندگی شخصی او صحبت کند و نباید از زندگی سیاسی ایشان سخن گفته شود.^{۳۸}

پانوشتها

1- www. Tebyan. net

- ۲- همان.
- ۳- عارف نقوی، سیدحسین، تذکره علمای امامیه پاکستان، ترجمه دکتر محمدهاشم، تهران، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۲.
- ۴- قاضی، محمدحسین، آیت‌الحق، ترجمه سیدمحمدعلی قاضی‌نیا، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۶، ص ۴۱۱.
- ۵- تذکره علمای امامیه...، ص ۳۱۲.
- ۶- روحانی، سیدحمید، بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۹.
- ۷- صحیفه امام (مجموعه بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌های امام خمینی (ره))، ج ۲ و ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سوم، زمستان ۷۹، ص ۱۰۶ و ۴۷۳.
- ۸- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده ۶۲۱۲۲، مورخ ۴/۳/۴.
- ۹- همان، سند شمس ۲۱۲/۷۷۶۶، مورخ ۴/۳/۲۳.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- همان، مورخ ۵۳/۷/۱۲.
- ۱۲- همان، مورخ ۴۴/۲/۱۸.
- ۱۳- همان، مورخ ۴۷/۵/۳.
- ۱۴- همان، سند شمس ۲۵۹۲، مورخ ۵۳/۱۲/۱۲.
- ۱۵- همان، سند شمس ۲۲۱/۱۸۳۲۲، مورخ ۴۶۲/۳۰.
- ۱۶- همان، سند شمس ۳۱۵/۷۲۵۷۱، مورخ ۴۶۱/۱/۱.
- ۱۷- همان، سند شمس ۴۶۱۰/۱۱.
- ۱۸- همان، سند شمس ۴۲۱/۶۰۱۶۵، مورخ ۵۳/۷/۱۵.
- ۱۹- همان، مورخ ۵۴/۵/۲، مورخ ۲۵۳۵/۸/۱۲.
- ۲۰- همان، مورخ ۵۲/۲۸/مهر.
- ۲۱- همان، سند شمس ۶۰۴۸/۴/۵، مورخ ۱۳۵۲/۳/۲۸.
- ۲۲- همان، مورخ ۵۲/۲/۲۴.
- ۲۳- همان، مورخ ۵۲/۸/۱۰.
- ۲۴- همان، سند شمس ۵۶۸۱، مورخ ۵۴/۵/۳.
- ۲۵- همان، مورخ ۵۴/۵/۲۶.
- ۲۶- همان، متن استفتاء و اعلامیه.
- ۲۷- صحیفه امام، ج ۳، ص ۸۷.
- ۲۸- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده شمس ۶۲۱۲۲، مورخ ۵/۵/۲۲.
- ۲۹- همان، مورخ ۵۴/۵/۱۵.
- ۳۰- همان، سند شمس ۳۸۶۵۷۶۵، مورخ ۲۵۳۵/۸/۸.
- ۳۱- همان، روزنامه امن، چاپ کراچی، مورخه ۱۹۷۷/۱۰/۲۶.
- ۳۲- همان، روزنامه جنگ، چاپ کراچی، مورخه ۱۹۷۷/۱۰/۲۶.
- ۳۳- همان، روزنامه‌های جسارت و مشرق، چاپ کراچی، مورخه ۱۹۷۷/۱۰/۲۶.
- ۳۴- همان، روزنامه ارشاد، چاپ کراچی، شمس ۲۸۲۴۱۱، مورخ ۱۹۷۷/۱۰/۲۶.
- ۳۵- همان، مورخ ۲۵۳۷/۵/۱۱.
- ۳۶- همان، سند شمس ۲۷۲/IB/77، مورخ ۱۲/دسامبر/۱۹۷۷.
- ۳۷- همان، سند شمس ۸۶۸۹، مورخ ۲۵۳۵/۱۱/۲۵.
- ۳۸- همان، سند شمس ۱۱۲۳، مورخ ۲۵۳۷/۱/۲۱.